

## Comparative-Critical Analysis of the Distribution Theory of Shahid Sadr and classical and neoclassical economic Thinkers; A Mathematical Approach in the Framework of the Model of Interference Generations; (Strategic Implications for Iran's Economy)

Mojtabi Hasany Qaratepe\*  
Mohammad Mahdi Mojahedi Mokher\*\*  
Mohammad Javad Noorahmadi\*\*\*  
Seyyed Mohammad Reza Seyed Noorani\*\*\*\*  
Morteza Khorsandi\*\*\*\*\*

### Abstract

The theories of distribution limit the economic relations of economic actors and determine how to distribute wealth and income among them. These theories can be divided into three parts: pre-production distribution theory, functional distribution theory and redistribution theory. Shahid Sadr has raised detailed discussions regarding all three areas of distribution. Although capitalist economists have also expressed several distributional theories, these theories were initially focused on functional distribution and then focused on examining the dimensions of the distribution of a certain amount of income. The main goal of this research is to analyze the structure and fundamentals of these theories and compare them with Shahid Sadr's distribution theory, to model Shahid Sadr's distribution approach in the framework of the overlapping generations model, and to extract strategic implications for Iran's economy. The results of the research show that capitalist economists are not able to provide a permanent solution to solve the problem of unequal distribution due to adherence to the school principles of capitalist economy (freedom of ownership, freedom of exploitation and freedom of consumption). After defining the intergenerational utility function and the budget constraint of the overlapping generations model in line with Shahid Sadr's distribution theory, it is proved that the capital accumulation is maintained in a dynamic state despite the applied changes and the achievement of a stable equilibrium is also guaranteed with regard to justice.

**Keywords:** pre-production distribution theory, functional distribution theory, redistribution theory, Shahid Sadr, conventional economy.

**Classification JEL:** D33, O15, B12, B13.

---

\* PhD student in monetary economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (corresponding author),  
m\_hasany@atu.ac.ir.

\*\* Associate Professor, Business Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University,  
Tehran, Iran, mojahedi@atu.ac.ir.

\*\*\* Associate Professor, Theoretical Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University,  
Tehran, Iran, noorahmadi@atu.ac.ir.

\*\*\*\* Professor, Theoretical Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran,  
Iran, seyednoorani@atu.ac.ir.

\*\*\*\*\* Associate Professor, Energy, Agriculture and Environment Economics, Faculty of Economics,  
Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, khorsandi@atu.ac.ir.

## واکاوی تطبیقی - انتقادی نظریه توزیع شهید صدر و اندیشمندان اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک؛ رهیافتی ریاضی در چارچوب الگوی نسل‌های تداخلی؛ (دلالت‌های راهبردی برای اقتصاد ایران)

مجتبی حسینی قره‌تپه\*

محمد مهدی مجاهدی موخر\*\*

محمد جواد نوراحمدی\*\*\*

سید محمد رضا سیدنورانی\*\*\*\*

مرتضی خورسندی\*\*\*\*\*

### چکیده

نظریات توزیع تحدیدکننده روابط اقتصادی کنشگران اقتصاد و مشخص‌کننده چگونگی توزیع ثروت و درآمد در میان آنهاست. این نظریات را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد: نظریه توزیع قبل از تولید، نظریه توزیع کارکردی و نظریه توزیع مجدد. شهید صدر مباحثی تفصیلی ناظر به هر سه ساحت توزیع مطرح کرده است. هرچند اقتصاددانان سرمایه‌داری نیز نظریات توزیعی متعددی را بیان کرده‌اند، اما این نظریات در ابتدا متمرکز بر توزیع کارکردی بوده و در ادامه به بررسی ابعاد توزیع مقداری درآمد متمرکز شده است. تحلیل ساختار و مبانی قریب این نظریات و نسبت‌سنجی آن با نظریه توزیع شهید صدر، مدل‌سازی رویکرد توزیعی شهید صدر در بستر الگوی نسل‌های همپوشان و استخراج دلالت‌های راهبردی برای اقتصاد ایران هدف اصلی این پژوهش می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اقتصاددانان سرمایه‌داری به دلیل التزام به اصول مکتبی اقتصاد سرمایه‌داری (آزادی تملک، آزادی بهره‌برداری و آزادی مصرف) امکان ارائه یک راهکار دائمی برای حل مسئله توزیع نابرابر را ندارند. پس از تعریف تابع مطلوبیت بین‌نسلی و قید بودجه الگوی نسل‌های همپوشان هم‌راستا با نظریه توزیع شهید صدر اثبات می‌شود که انباشت سرمایه در حالت پویا با وجود تغییرات اعمال شده برقرار است و دستیابی به یک تعادل پایدار توأم با توجه به عدالت نیز تضمین می‌شود. واژگان کلیدی: نظریه توزیع قبل از تولید، نظریه توزیع کارکردی، نظریه توزیع مجدد، شهید صدر، اقتصاد متعارف.

طبقه‌بندی JEL: D33، O15، B12، B13.

\* دانشجوی دکتری اقتصاد پولی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m\_hasany@atu.ac.ir  
\*\* دانشیار، اقتصاد بازرگانی، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران mojahedi@atu.ac.ir  
\*\*\* دانشیار، اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران nourahmadi@atu.ac.ir  
\*\*\*\* استاد، اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران seyednourani@atu.ac.ir  
\*\*\*\*\* دانشیار، اقتصاد انرژی، کشاورزی و محیط زیست، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران khorsandi@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

## ۱. مقدمه

در اثر غلبه رویکرد نئوکلاسیک بر فضای آموزش و پژوهش اقتصاد، این باور نهادینه شده است که مبحث مهم توزیع<sup>۱</sup> در دایره اصلی دانش‌های موردنیاز یک اقتصاددان قرار ندارد و می‌توان بدون توجه به این مسئله تحلیل‌های جامعی را در مورد توصیف، تبیین و کنترل پدیده‌های اقتصادی ارائه داد. امروزه به دلیل طبیعی (به معنای غیرهنجاری) انگاشتن مسئله توزیع، کمتر بحث‌های مبنایی تجدیدنظرکننده در این مورد شکل می‌گیرد.

به‌طور منطقی نظریات توزیع را می‌توان به سه قسمت عمده تقسیم کرد: نظریه توزیع قبل از تولید، نظریه توزیع کارکردی<sup>۲</sup> و نظریه توزیع مجدد.<sup>۳</sup> بحث اصلی در توزیع قبل از تولید نحوه تملک ثروت‌ها و منابع طبیعی است. در نظریه توزیع کارکردی نحوه سهم‌بری عوامل تولید از نتایج فعالیت اقتصادی موردبحث قرار می‌گیرد. در نظریه توزیع مجدد به چگونگی انتقالات اختیاری یا اجباری درآمد یا ثروت از سطوح درآمدی بالا به سطوح درآمدی پایین پرداخته می‌شود (توتونچیان و عیوضلو، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

شهیدصدر به‌عنوان یکی از اندیشمندان پیشرو اقتصاد اسلامی در کتاب اقتصادنا مباحثی تفصیلی ناظر به هر سه ساحت توزیع مطرح کرده است. در ادامه سعی می‌شود تا نظریات اندیشمندان مهم اقتصاد متعارف و غربی در هر سه ساحت توزیع بررسی شده و تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه ایشان - به تفکیک اندیشمند - با دیدگاه شهیدصدر بیان شود.

## ۲. پیشینه تحقیق

زاهدی‌وفا و پیغامی (۱۳۸۸) با هدف دستیابی به ترتیبات و چینش‌های متصور بین عوامل تولید به بررسی تطبیقی اندیشه شهیدصدر و اقتصاد نئوکلاسیک پرداخته‌اند. این مقاله دو نوع تعامل افقی (مشارکت بین عوامل تولید) و عمودی (روابط بالادستی و پایین‌دستی) را طبق اندیشه شهیدصدر استخراج کرده و پس از بررسی «مسئول» تولید در مکاتب اقتصادی نتیجه می‌گیرد که اندیشه شهیدصدر از دقت و ظرفیت بالایی در تعیین این ترتیبات نهادی برخوردار است و تعیین «مالکیت» که در توزیع قبل از تولید مشخص می‌شود نقشی کلیدی در این زمینه دارد. این تحقیق در ادامه به بررسی نقش پول و زمان در فرایند تولید پرداخته و نشان می‌دهد که محدوده نقش آفرینی پول و زمان هماهنگ با نظریه توزیع قبل و بعد از تولید در اندیشه اقتصادی اسلام تنظیم شده است.

1. distribution

۲. توزیع کارکردی، توزیع تبعی، توزیع تابعی، توزیع پس از تولید functional distribution

۳. توزیع مجدد، بازتوزیع درآمد income redistribution

کرمی (۱۳۸۹) نظریه توزیع پس از تولید شهیدصدر و قواعد سهم‌بری عوامل تولید در اقتصاد نئوکلاسیک را بررسی کرده است. وی معیار اقتصاد نئوکلاسیک، سهم‌بری مبتنی بر بازده نهایی عوامل تولید را با این استدلال که این معیار صرفاً در تابع تولید همگن از درجه یک پاسخگو است و دیگر توابع تکلیف ارزش اضافی را مشخص نمی‌کند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی نقطه تمرکز خود را تعیین سهم مالک مواد اولیه قرار می‌دهد و از این رهیافت به بررسی سهم ابزار و نیروی کار می‌پردازد.

زاهدی و وفا و باقری (۱۳۹۳) ابتدا به بررسی نظریه ارزش و توزیع در اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک پرداخته و سپس این دو را با نظریه ارزش و توزیع شهیدصدر صدر تطبیق می‌دهند. این مقاله بیان می‌کند که چون شهیدصدر ارزش مبادله‌ای را در تعیین میزان سهم‌بری عوامل تولید بی‌تأثیر می‌داند، پس دارای تناقض است و رابطه نظریه توزیع و تولید در اندیشه ایشان گسسته شده است؛ از این رو با بررسی مفهوم ربا نشان می‌دهد که خطرپذیری مالک سرمایه عامل اصلی در تحریم ربا بوده است و چون شهیدصدر ریسک را درآمدزا نمی‌داند، بنابراین دچار این تناقض است.

پیغامی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود به بررسی تأثیر نظریه توزیع شهیدصدر بر مبحث تعیین مالک در نظریه عاملیت می‌پردازند و پس از بررسی ابعاد نظریه عاملیت در بین اقتصاددانان غربی به این نتیجه می‌رسند که نظریه شهیدصدر در زمینه توزیع درآمد میان عوامل تولید می‌تواند نظریه عاملیت را از انحصار بر رابطه عمودی خارج و رابطه کارگر-کارفرما را در دو نوع رابطه عمودی و افقی ترسیم می‌کند.

عیوضی (۱۳۹۴) در مقاله خود به بررسی چرایی مطرح شدن مبحث توزیع مقداری درآمدی به جای توزیع تبعی درآمد در اندیشه اقتصاددانان متقدم و متأخر غربی پرداخته و نتیجه می‌گیرد که این اتفاق در اثر ناتوانی ایشان در تعیین سازوکاری دقیق برای سهم عوامل تولید بوده است و در ادامه نظریه توزیع شهیدصدر را به عنوان ضابطه‌ای دقیق برای سهم‌بری عوامل تولید و تنظیم روابط اقتصادی معرفی می‌کند. در مقاله حاضر به هر سه ساحت توزیع در اندیشه اقتصاددانان غربی و شهیدصدر توجه می‌شود و همچنین، سعی می‌شود تا طیف وسیع و کامل‌تری از دیدگاه‌های اقتصاددانان غربی از متقدمین تا متأخرین بررسی شود.

### ۳. نظریه توزیع شهید صدر

شهید صدر در چارچوب طراحی مکتب اقتصاد اسلامی<sup>۱</sup> مباحثی تفصیلی ناظر به هر سه ساحت توزیع مطرح کرده است که در این بخش بدون ذکر مبانی شکل‌گیری نظریه توزیع وی، صرفاً به بیان خلاصه‌ای از آن اکتفا می‌کنیم.

#### ۳-۱. ابزارهای توزیع

افراد حاضر در جامعه به سه دسته تقسیم می‌شوند: افرادی که به دلیل برخورداری از استعدادهای جسمی و ذهنی و نیز دیگر امکانات لازم می‌توانند نیازهای خود را در سطحی توانگرانه و مرفه تأمین کنند. افرادی که توانایی کار کردن دارند و کار هم می‌کنند؛ اما ثروتی که به دست می‌آورند، تنها کفاف تأمین ضروریات زندگی را می‌دهد و صرفاً نیازهای اساسی آنان تأمین می‌شود. افرادی که به سبب ناتوانی (اعم از جسمی، ذهنی، مالی و...) کاملاً از کار و فعالیت بازمانده‌اند و نمی‌توانند ثروتی برای خود ایجاد کنند. هر یک از این گروه‌ها براساس ویژگی‌هایی که دارند و متناسب با آن در معرض ابزارهای توزیع قرار می‌گیرند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۰۱-۴۰۴):

گروه اول سهم خود از توزیع را صرفاً مبتنی بر کار خود به دست می‌آورند؛ گروه دوم سهم خود از توزیع را به صورت مشترک از دو ابزار به دست می‌آورند و گروه سوم نیز صرفاً با استفاده از ابزار نیاز از توزیع ثروت برخوردار می‌شوند (همان، ص ۴۱۴-۴۱۵).

#### ۳-۲. توزیع پیش از تولید

شهید صدر مسئله توزیع منابع طبیعی را به چند بخش تقسیم نموده و هر بخش را در قلمرو یکی از عناوین مالکیت خصوصی، مالکیت عمومی و مالکیت دولتی قرار داده و برای چگونگی توزیع هر یک قواعد مشخصی تنظیم کرده است. هیچ‌کسی در سطح تشریحی و ابتدایه ساکن و بدون انجام «کار» دارای حقی اختصاصی در بهره‌برداری از منابع طبیعی نیست. حتماً باید «کار» انجام شده باشد تا بتوان یک فرد را مستحق حقوق و استفاده‌هایی از منابع طبیعی دانست (صدر، ۱۳۹۴، ص ۷۲). اما این اصل و عنصر کلی که در مورد همه منابع طبیعی وجود دارد دو عنصر متغیر نیز دارد: نوع کار انجام شده و نوع حق اختصاص یافته. حقوق اختصاصی در نوع کار و نوع کار نیز بسته به نوع منابع طبیعی تغییر می‌کند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۹۲). حیازت (تسلط صرف) و

۱. مکتب اقتصادی هر جامعه عبارت است از روشی که جامعه ترجیح می‌دهد در زندگی اقتصادی و حل مشکلات عملی خویش به کار گیرد. اما علم اقتصاد عبارت است از دانشی که تفسیر زندگی اقتصادی و رویدادها و پدیده‌هایش و ارتباط آنها با علل و عوامل عمومی زمامدار بر آن را دنبال می‌کند (شهید صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۵-۱۶)

آفرینش فرصت (احیا) دو روش اصلی ایجاد مالکیت یا حق اختصاصی در منابع طبیعی است. منابع طبیعی به دو گروه غیر منقول و منقول تقسیم می‌شوند که مالکیت و قواعد توزیع هر یک از این منابع با توجه به اصل پیش گفته، انواع کارها و روش‌های بهره‌برداری تفاوت پیدا می‌کند. جدول زیر خلاصه‌ای از قواعد توزیع پیش از تولید در اندیشه شهید صدر ارائه می‌دهد:

قواعد توزیع پیش از تولید در اندیشه شهید صدر

عامل سلب حق	حق ایجاد شده نسبت رقبه	کار انجام شده	مالکیت	نوع منابع طبیعی		
				زمین	معدن	آب
از بین رفتن فرصت ایجاد شده	ایجاد حق اولویت اختصاصی در بهره‌برداری	احیا	دولتی	موات		غیرمنقول
منقطع شدن بهره‌برداری		حیازت و بهره‌برداری		آباد به صورت طبیعی	ظاهری	
		حیازت و بهره‌برداری		آباد به دست بشر		
از بین رفتن فرصت ایجاد شده		احیا	عمومی	آشکار	باطنی	منقول
منقطع شدن بهره‌برداری		حیازت و بهره‌برداری		پنهان		
از بین رفتن فرصت ایجاد شده		حیازت		آشکار	آشکار	
	احیا	پنهان				
فاقد موضوعیت	مالکیت خصوصی	حیازت	عمومی	گیاهان، حیوانات، سنگ‌ها و...		منقول

### ۳-۳. توزیع پس از تولید

شهید صدر قاعده اصلی تولید در مکتب اقتصادی اسلام را این‌گونه تبیین می‌نماید: «تولید در خدمت انسان است نه انسان در خدمت تولید» (۱۳۹۴، ص ۱۰۷). قاعده‌ای که همه قوانین شرعی رو بنایی آن را کشف یا با آن همراهی می‌کنند، آن است که درآمد تنها براساس انجام کار، در ضمن یک طرح (فرایند تولیدی)، استوار است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۹۹). هرگاه ماده اصلی که کارگر در فرایند تولید در آن به کار پرداخته، ثروتی طبیعی به‌شمار آید که کسی مالک آن نباشد، نظریه اسلامی توزیع پس از تولید، همه ثروت تولیدشده را به کارگر می‌دهد و آنگاه که ماده اصلی که در فرایند تولید روی آن کار می‌شود، ملک یا حقی از آن فرد دیگر باشد، هیچ فرد دیگری حق

ندارد که به مالکیت جدیدی در آن ماده دست یابد، هرچند با کار خود، ارزشی جدید در آن ایجاد کرده باشد. این همان چیزی است که آن را پدیده پایداری مالکیت می‌نامیم (همان، ص ۲۶۸ - ۲۷۰). کار انجام شده در نسبت با زمان مصرفش به دو دسته تقسیم می‌شود: کار مستقیم و کار نهفته. کار مستقیم، کاری است که در همان لحظه انجام با نیروی کار در ارتباط است. کار نهفته در واقع، آثار کاری است که قبلاً به‌طور مستقیم انجام شده و در یک شیء نمود پیدا کرده است.

عوامل تولید در دیدگاه ایشان عبارت‌اند از: «کار»، «سرمایه» و «ابزار تولید». منظور از کار، کار مستقیمی است که در فرایند تولیدی انجام می‌دهد. سرمایه شامل دو حالت نقدی و کالایی می‌شود. سرمایه کالایی همان مواد اولیه است. سرمایه نقدی در بیان شهید صدر مقدار نسبتاً زیاد وجه نقد است که می‌تواند در پروژه‌های مختلف تولید به کار گرفته شود؛ البته اصل در سرمایه بودن وجه نقد، مشارکت آن در تولید است و نه مقدار آن. ابزار تولید نیز در دیدگاه ایشان در معنای عام خود به کار می‌رود و شامل ابزار به معنای تجهیزات و زمین به معنای ساختمان و زمین می‌شود. شیوه سهم‌بری عوامل تولید نیز طبق جدول زیر می‌باشد:

قواعد توزیع پس از تولید در اندیشه شهید صدر

وضعیت ضمانت عایدی	روش سهم‌بری	
تضمین نشده	شراکت در سود یا محصول	نیروی کار
تضمین شده	دستمزد ثابت	
تضمین شده	اجاره (دستمزد ثابت)	ابزار تولید
تضمین نشده	شرکت در سود یا محصول و عهده‌دار زیان	سرمایه

### ۳-۴. ضمان اجتماعی (توزیع مجدد)

درک صحیح ضمان اجتماعی مستلزم آشنایی با مفهوم توازن اجتماعی در اندیشه شهید صدر است. افراد پیش از هرگونه تفاوت اجتماعی در ساختار طبقاتی جامعه و ایفا کردن نقش معین در این ساختار بر اساس ویژگی‌هایشان، دارای امکانات و توانایی‌های ویژه هستند. پس حقیقت اول این است که اختلاف میان افراد، واقعیتهای مطلق و نه نتیجه چارچوب معین اجتماعی است. هیچ نظام اجتماعی نمی‌تواند با قانون‌گذاری یا فرایند تغییر نوع روابط اجتماعی، این تفاوت‌ها را از میان بردارد. حقیقت دیگر در منطق اسلامی این قاعده مکتبی است که می‌گوید: «کار اساس مالکیت و حقوق مربوط به آن است» (همان، ص ۳۹۷-۳۹۹). اقتصاد اسلامی ضمن قبول حقیقت اول،

حکومت اسلامی را موظف می‌کند تا بین درآمد و کار، رابطه برقرار کند و برای ریشه‌کن کردن تدریجی انواع مختلف درآمد بدون کار، کوشش نماید (صدر، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

طبق دیدگاه شهیدصدر توازن اجتماعی عبارت است از توازن میان افراد جامعه در سطح معیشت و نه در سطح درآمد که یک متغیر اساسی در سنجش میزان تحقق اهداف کلان اقتصاد اسلامی است. هرچه جامعه‌ای از نظر اقتصادی متوازن‌تر باشد این به معنای اجرای هرچه بیشتر و دقیق‌تر دستورات اقتصاد اسلامی است. در هر نقطه‌ای از زمان اجرای اقتصاد اسلامی متغیر توازن اجتماعی دارای میزان تحقق مشخصی است که در آن زمان افراد زیادی با حد بی‌نیازی (حد کفاف) فاصله دارند و این افراد مبتنی بر ابزار «نیاز» مستحق بهره‌مندی از ثروت‌های عمومی جامعه می‌باشند. تمام پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی که به نیازمندان توسط مردم و دولت انجام می‌شود ذیل نظام «ضمان اجتماعی» قرار می‌گیرند. تأمین اجتماعی ابزار تحقق توازن اجتماعی از کف می‌باشد. البته حدکفاف و بی‌نیازی همان سطح معیشتی است که به فراخور پیشرفت‌های همپای تمدن و افزایش ثروت کلی جامعه، همواره روبه‌رشد است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۰۷-۴۰۸).

در مکتب اقتصادی اسلام، اصل تأمین اجتماعی بر دو اساس استوار است و توجهات مکتبی خود را از آن دو وام می‌گیرد: همیاری همگانی و حق مردم در درآمدهای عمومی دولت. اصل اول فقط شامل تضمین فراهم‌سازی نیازهای حیاتی و اصلی فرد است؛ اما اصل دوم گستره‌ای بیش از این دارد و پاسخگویی فراگیرتر به نیازها و تأمین سطح برتر زندگی را دربرمی‌گیرد و دولت موظف است تأمین اجتماعی را در حد امکانات خود در این هر دو سطح سامان بخشد (همان، ص ۳۸۵-۳۸۶).

#### ۴. نظریه توزیع نزد اندیشمندان اقتصاد سرمایه‌داری

در این بخش به بررسی اجمالی دیدگاه اقتصاددانان سرمایه‌داری حول مسئله توزیع ثروت و درآمد می‌پردازیم. در این بررسی سعی می‌شود تا مسئله توزیع از زاویه نگاه همین اندیشمندان و با همان سیر علمی و تنوع مطالب منعکس شود.

##### ۴-۱. تعیین سهم عوامل تولید بدون توجه به نظریه ارزش و با تحلیل نقش آنها در تولید

نظریات اقتصاددانان موسوم به کلاسیک همگی ذیل این رویکرد قرار می‌گیرند که با بررسی دیدگاه اسمیت، مالتوس، ریکاردو و میل می‌توان ادعا کرد که اشراف نسبتاً کاملی به نظریه توزیع اقتصاد



کلاسیک به دست می‌آید. نظریه توزیع اسمیت<sup>۱</sup> بدون توجه به چگونگی توزیع زمین و تمرکز بر چگونگی سهم‌بری مالک زمین آغاز می‌شود. وی عوامل تولید را به سه دسته کارگر، مالک زمین و صاحب سرمایه تقسیم می‌کند. کارگر مزد دریافت می‌کند، مالک زمین بهره مالکانه و سرمایه نیز اگر در کار مولد به کار برده شود سود و اگر به کسی وام داده شود بهره دریافت می‌کند. خاستگاه دریافت عایدی مالک زمین را هزینه‌هایی می‌داند که در طی زمان صرف کارگر می‌کند تا وی بتواند به کار خود به‌عنوان کارگر ادامه دهد. او در مورد دستمزد نیروی کار اعتقاد راسخی به تعیین آن توسط بازار کار داشته و حتی تکثیر جمعیت را نیز معلول شرایط بازار کار می‌داند. وی معتقد است که اگر صاحب سرمایه به کسی وام می‌دهد باید نرخ بهره آن به‌نحوی تعیین شود که جبران زیان‌های احتمالی پول او را بکند و اگر این جبران صورت نگیرد، تنها انگیزه‌های صدقه و نوع‌دوستی برای پرداخت وام باقی می‌ماند (آدام اسمیت، ۱۳۵۷، ص ۵۷-۸۳).

ریکاردو مبسوط‌ترین نظریه توزیع را در بین اندیشمندان کلاسیک داشته و تعیین سهم عوامل مشارکت‌کننده بر روی زمین کشاورزی (بهره زمین، سود و مزد) را موضوع اصلی علم اقتصاد سیاسی می‌داند. هسته اصلی نظریه توزیع ریکاردو در این قضیه بنیادین آمده است: «در همه کشورهای و در همه زمان‌ها سود تابع مقدار کاری است که برای تهیه ضروریات معیشت کارگران در زمین و با سرمایه‌ای که بهره زمین بابت استفاده از آنها پرداخت نمی‌شود، لازم می‌آید». توضیح اینکه ریکاردو «گندم» را به‌عنوان نماینده تمام محصولات کشاورزی در نظر گرفت. پس از تولید گندم، ابتدا سهم کارگر طبق دستمزد معیشتی پرداخت می‌شود، سپس سود سرمایه‌گذار در سطح سود عادی اقتصاد<sup>۲</sup> پرداخت می‌شود و مازاد باقی‌مانده تحت عنوان بهره نسبی زمین به مالک زمین تعلق می‌شود. بهره نسبی زمین درحقیقت همان مازاد سود سرمایه‌دار است که به‌دلیل رقابت سرمایه‌داران برای به‌دست‌گرفتن زمین پرسودتر عاید مالک زمین می‌شود. از این‌رو سود، بدون مراجعه به مکانیسم قیمت تعیین می‌شود.

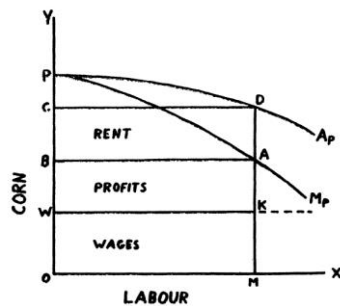
کالدور<sup>۳</sup> (۱۹۵۵) نظریه توزیع ریکاردو را با رسم نمودار بیان کرده است. در این شکل میزان کل غلات تولیدی با OCDM، تولید متوسط AP، تولید نهایی MP می‌باشد. میزان دستمزد طبق دیدگاه ریکاردو، توسط تولید نهایی تعیین نمی‌شود و قیمت عرضه نیروی کار تعیین‌کننده این

1. Adam Smith

۲. طبق دیدگاه کلاسیک سود سرمایه‌داران در همه زمین‌ها و در همه رشته‌های فعالیت اقتصادی باید روی هم‌رفته مساوی باشد، چنان‌که «قانون برابری سودها» سبب شکل‌گرفتن سود عادی (Normal profit) می‌شود.

3. Kaldor

دستمزد ثابت می‌باشد. میزان تقاضای نیروی کار نیز توسط تولید نهایی تعیین نمی‌شود و افزایش میزان کل تقاضای غلات (انباشت سرمایه) تعیین‌کننده میزان تقاضای نیروی کار می‌باشد. سهم سرمایه نیز با باقی مانده تولید کل منهای رانت و دستمزد برابر است (Kaldor, 1955, 3-4).



اما میل با بهره مالکانه زمین مخالفت می‌کرد و آن را مخالف با اصول فردیت و آزادی می‌دانست؛ زیرا این بهره به اشخاصی تعلق می‌گیرد که حاصل عمر آنها نیست و اصل فردیت حکم می‌کند که به هرکس مطابق عملش داده شود (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۹۲). همچنین، وی قویاً امیدوار است که افزایش قدرت سندیکاهای کارگری توان چانه‌زنی آنان در افزایش دستمزد را افزایش دهد و صرفاً افزایش و کاهش جمعیت کارگران (همان‌طور که مالتوس و ریکاردو می‌گویند) عامل اصلی در تعیین دستمزد قطعی و بلندمدت آنان نباشد (باربر، ۱۳۷۰، ص ۱۱۴).

اتکینسون<sup>۱</sup> چهار نقد به کارآمدی این رویکرد در تحلیل توزیع درآمد وارد می‌داند. اول آنکه ما امروزه به تحلیل توزیع درآمد عوامل تولید در داخل یک طبقه نیاز داریم. مثل میزان توزیع انواع دستمزدها؛ دوم آنکه ما با سرمایه انسانی مواجه هستیم. سرمایه‌گذاری که مردم بر روی خودشان انجام می‌دهد و از طریق آموزش و تمرین و دوره و... بهره‌وری خودشان را ارتقا می‌دهد؛ سوم آنکه برخلاف این تصور که مردم از یک طریق درآمد کسب می‌کنند، آنها امروزه از مجموعه‌ای از منابع، درآمد کسب می‌کنند و یک فرد امکان دارد که دستمزد، بهره و اجاره دریافت کند. این به آن معناست که ما نمی‌توانیم دلالت‌های مستقیمی را از تغییرات قیمت عوامل تولید و تأثیرش بر توزیع شخصی این عوامل تولید برای توزیع درآمد به دست آوریم و چهارم آنکه، نهادهای مداخله‌گر وجود دارند. مدل تولیدی که در این رویکرد وجود دارد اجازه نمی‌دهد نقش نهادهایی چون شرکت‌ها، واسطه‌های مالی یا صندوق‌های بازنشستگی وجود دارند به وضوح در نظر گرفته شود (Atkinson & Bourguignon, 2000, 8). خاستگاه این انتقاد را باید انتقال نقطه تمرکز اقتصاددانان غربی از توزیع تابعی درآمد به توزیع مقداری درآمد و میزان وقوع بی‌عدالتی دانست.

1. Atkinson

#### ۲-۴. تعیین سهم عوامل تولید در پرتو نظریه ارزش و بازده نهایی عوامل تولید به صورت مشتقه از بازار کالاها و خدمات

جونس<sup>۱</sup> و همفکران او (مارشال و منگر) تئوری بزرگ اقتصادی جدیدی را پایه گذاری کردند: نظریه مطلوبیت.<sup>۲</sup> در اثر این نظریه ساختار و چشم انداز تحلیل اقتصادی در مورد عوامل علی و تعیین کننده ها، از هزینه های به بار آمده در تولید - که خود ریشه در موقعیت ها و شرایط تولید دارند - برداشته و متوجه تقاضا و مصرف نهایی می شود و بدین گونه خاصیت یا ظرفیت چیزی که از خط تولید بیرون می آید از نظر سهمی که ممکن است در ارضای خواهش ها، خواست ها، یا نیازهای مصرف کننده داشته باشد برجسته می شود (داب، ۱۳۸۱، ص ۲۰۳).

در حقیقت، نظریه توزیع مارشال همان کاربرد نظریه ارزش او در مورد قیمت گذاری عوامل تولید می باشد. طبق دیدگاه مارشال عرضه و تقاضا به صورت هم زمان در بازار تعیین می شوند. پشت منحنی عرضه منحنی هزینه نهایی و پشت منحنی تقاضا، منحنی مطلوبیت نهایی قرار دارد (Marshall, 1920, 290). قیمت یا عایدی زمین (بهره مالکانه)، نیروی کار (مایه دستمزد) و سرمایه (بهره) توسط بازار هر یک از این عوامل تعیین می شود. طبق این دیدگاه شخص کارفرما یا مدیر بنگاه اساساً نقشی در تعیین دستمزد نیروی کار و مانند آن ندارد و این قیمت در جای دیگر در بازار عامل تولید مربوطه تعیین می شود. آنچه مدیر بنگاه تعیین می کند تعیین میزان نیروی کار مورد نیازش می باشد؛ به نحوی که ارزش محصول نهایی کار ( $WMP_L$ ) برابر با قیمت بازاری نیروی کار یا همان دستمزد بازار کار باشد. اما ویکستید<sup>۳</sup> تأکید می کند که این نظریه یک نقص اساسی دارد و آن اینکه اگر توزیع بین عوامل تولید براساس نظریه کارایی نهایی<sup>۴</sup> تعیین شود، چگونه محصول (درآمد) کل برابر با مجموع (عایدی) درآمد عوامل تولید خواهد شد؟ وی برای حل این مسئله سه حالت بازده ثابت، صعودی و نزولی نسبت به مقیاس را مطرح کرده و با فرض بازده ثابت نسبت به مقیاس معتقد است که محصول کل با درآمد عوامل تولید برابر خواهد شد.

$$Y = \frac{\partial Y}{\partial L} \cdot L + \frac{\partial Y}{\partial K} \cdot K$$

- 
1. William Stanley Jevons
  2. Theory of utility
  3. Philip Henry Wicksteed
  4. Marginal productivity theory

کلارک<sup>۱</sup>، اقتصاددان مطرح آمریکایی، نیز از اصل حد نهایی برای تعیین سهم‌بری عوامل تولید استفاده می‌کند (تفضلی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۵). بررسی تأثیر تجارت خارجی و قیمت‌های جهانی عوامل تولید بر تعیین قیمت و بالتبع و سهم‌بری عوامل تولید در داخل کشور از جمله دیگر مطالعات انجام شده ذیل این رویکرد می‌باشد (Stopler & Samuelson, 1941, cited in Atkinson, 2000, 9). ویرایش کامل‌تر این رویکرد در قالب نظریه عمومی ایستای والر اس مطرح شد که در آن قیمت کالاها و خدمات تولیدی همراه با بازار عوامل تولید به تعادل رسیده و سهم نیروی کار و سرمایه همراه به صورت کاملاً مشتقه از قیمت کالاها و خدمات عوامل تولید تعیین شد. اما نه والر اس و نه دیگر اقتصاددانان این رویکرد، نکته‌ای در مورد کاربرد نهایی‌گرایی در توضیح بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه بیان نکردند. نقد مهم دیگر آنکه تعیین ساختار مالکیت عوامل تولید نزد اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک آن‌چنان مورد توجه قرار نگرفت (Sandmo, 2013, 26).

#### ۳-۴. توصیف فرایند پویای انباشت دارایی‌ها و عوامل تولید مبتنی بر حداکثرسازی و در پرتو قیمت فعلی و انتظاری عوامل تولید

هم‌راستا با نقدی که به رویکردهای قبلی در عدم توجه به فرایند انباشت و مالکیت عوامل تولید وجود داشت، اقتصاددانان سرمایه‌داری فرایند انباشت دارایی‌ها و عوامل تولید را مورد توجه قرار دادند. شاید دلیل عدم توجه اقتصاددانان متقدم به این مسئله این دیدگاه میل باشد که «توزیع ثروت... بستگی به قوانین و آداب و رسوم جامعه دارد. قواعدی که براساس آن تعیین می‌شود، همان چیزی است که عقاید و احساسات قشر حاکم جامعه آن را می‌سازد و در اعصار و کشورهای مختلف بسیار متفاوت است» (Mill 1848: 1965, 200).

مقدماتی‌ترین ویرایش معادله انباشت - و تنها ویرایشی که در عمل استفاده شده است - موردی است که در آن یک دارایی واحد توسط افرادی انباشت می‌شود که صرف‌نظر از دارایی‌های قبلی‌شان، یکسان در نظر گرفته می‌شوند. مدل متعارف در ساده‌ترین فرم آن به صورت زیر است: (معادله ۳)

$$A_{i,t} = \rho A_{i,t-1} + a + \epsilon_{i,t}$$

$A_{i,t}$  سطح دارایی است که توسط شخص  $i$  در زمان  $t$  تملیک شده است،  $\rho$  و  $a$  دو مقدار ثابت هستند و  $\epsilon_{i,t}$  عبارت تصادفی است که شوک‌های برون‌زای فرایند انباشت را بیان می‌کند. اگر  $\rho < 1$  فرایند انباشت ثروت همگرا بوده و به کاهش بی‌عدالتی منجر می‌شود و اگر  $\rho > 1$  فرایند

1. John Bates Clark

انباشت ثروت واگرا بوده و به افزایش بی‌عدالتی منجر می‌شود (Galton 1879, cited in Atkinson, 2000: 14).

ذیل این رویکرد انواع رویکردهای متنوع دیگری نیز به وجود آمدند که از آن جمله می‌توان به نظریات تصادفی<sup>۱</sup> اشاره کرد. این رویکرد بخش عمده توزیع را برعهده جزء تصادفی می‌نهد. مینسر<sup>۲</sup> (۱۹۵۸) در مورد این رویکرد می‌نویسد: «آنها هیچ نوری را بر مباحث علمی اقتصاد فرایند توزیع نمی‌افکنند». (Mincer, 1958, cited in ibid: 15) (مدل مصرف چندنسلی<sup>۳</sup> شاخه‌ای از مدل‌های ذیل این رویکرد است که سعی در مدل‌سازی فرایند انباشت انواع ثروت از طریق «ارث» داشتند (Atkinson & Bourguignon, 2000, 15). در این نظریات عموماً ارث به‌عنوان عامل فزاینده بی‌عدالتی و استمرار آن در طی نسل‌ها شمرده شده است. چنان‌که کانان<sup>۴</sup> در این باره می‌نویسد: «اعضای توانمند فقیرترین طبقه دائماً به اوج می‌رسند و اعضای به‌ویژه نالایق ثروتمندترین طبقه دائماً به پایین سقوط می‌کنند. اما با این وجود، در میان اکثریت بشر، انتقال وراثتی مستمر نابرابری درآمد وجود دارد که نادیده گرفتن اهمیت آن احمقانه است» (Cannan, 1928, cited in Sandmo, 2013, 51). بخش دیگری از مدل‌ها و نظریات از جمله گالور و زیرا (۱۹۹۳)، اتکینسون (۱۹۹۷)، بوگنیون (۱۹۸۱) انجام شده ذیل این رویکرد به بررسی تأثیر منفی کمبود مواهب اولیه و ناتوانی در تأمین مالی سرمایه انسانی فرزندان پرداخته و آن را عامل تعمیق نابرابری و انتقال بین‌نسلی آن دانسته‌اند (Atkinson & Bourguignon, 2000, 18). مدل‌های CGE به کار رفته ذیل این رویکرد در پیچیده‌ترین حالت خود قیمت عوامل تولید را درون‌زا و تابعی از نحوه توزیع در نظر گرفته و تأثیر پس‌انداز، ارث، زادوولد و ناهمگنی نیروی کار بر توزیع ثروت و درآمد بررسی می‌شود (Stiglitz, 1969, cited in Sandmo, 2013, 20).

#### ۴-۴. نظریات تفسیرکننده نحوه توزیع دریافتی نیروی کار

گروهی از نظریات اقتصاددانان غربی از منظر بررسی تأثیر عوامل مختلف بر دریافتی نیروی کار به موضوع توزیع درآمد پرداخته‌اند. این نظریات درحقیقت درصدد توجیه و علت‌یابی اقتصادی برای تفاوت در توزیع دریافتی نیروی کار بوده‌اند. عواملی که در بین جمعیت همگن نیستند، نمی‌توان آنها را جمع کرد و اغلب مشاهده آنها دشوار است. بازاری برای آنها و در نتیجه قیمتی وجود ندارد

---

1. Stochastic theories  
2. Mincer  
3. dynastic consumption model  
4. Cannan, Edwin

مطالعات انجام شده توسط تینبرگن<sup>۱</sup> (۱۹۵۱) و روی<sup>۲</sup> (۱۹۵۶) نشان دادند که توزیع بلندمدت دریافتی نیروی کار به سمت راست چولگی دارد؛ یعنی درصد اندکی از نیروی کار بیشترین درآمدها را کسب می‌کنند و میانگین همیشه بیش از میانه است. حتی میانگین دریافتی گروه‌های مختلف مشاغل نیز تفاوت زیادی دارد. با توجه به مطالعات انجام شده مدل‌های متعددی وجود دارد که درصد بیان این حقایق تثبیت شده هستند (Atkinson & Bourguignon, 2000, 21).

نظریات تصادفی<sup>۳</sup> فرایند تأثیرگذاری دارایی‌های اولیه بر توزیع دریافتی نیروی کار را با اتخاذ برخی فروض خاص در مورد توزیع این دارایی‌ها بررسی می‌کنند. مدل‌های انتخاب<sup>۴</sup> بررسی می‌کنند که چگونه کارگران یک شغل را انتخاب می‌کنند؛ زیرا کارگران بهترین گزینه را از بین فهرستی از مشاغل انتخاب می‌کنند. تأثیر انتخاب‌ها منجر به چولگی در توزیع دریافتی‌ها می‌شود. در مدل‌های رتبه‌بندی<sup>۵</sup> کارگران در مورد مزیت رقابتی‌شان بیشتر می‌فهمند و یاد می‌گیرند که چگونه می‌توانند با تغییر در بین مشاغل استفاده بهینه‌تری از مزیت‌هایشان داشته باشند. نظریه سرمایه انسانی نشان می‌دهد که پراکندگی و تفاوت در دریافتی‌ها پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری در کسب مهارت‌هاست. بدون این پراکندگی در دریافتی‌ها، کارگران تمایلی به سرمایه‌گذاری در کسب مشاغل با درآمد بالا نخواهند داشت. نظریات سرمایه انسانی می‌فهماند که چگونه دارایی‌هایی چون ثروت و استعداد بر تصمیمات سرمایه‌گذاری که عامل این تفاوت در دریافتی‌ها هستند تأثیر می‌گذارد. مدل‌های نمایندگی<sup>۶</sup> نیز این مسئله را بررسی می‌کنند که چگونه ساختار دستمزدها می‌تواند منعکس‌کننده بهره‌وری نیروی کار باشند. نظریه مسابقه<sup>۷</sup> نیز به بررسی تأثیر رقابت بین اعضای یک بنگاه در دستیابی به دریافتی‌های بالاتر و نیز آثار این رقابت بر دریافتی حذف‌شدگان و انگیزه‌های آنان می‌پردازد. نظریات دستمزد کارایی<sup>۸</sup> گروه دیگری از نظریات ذیل این رویکرد هستند که به بررسی دلایل پرداخت دستمزدهای بالاتر از بازار توسط بنگاه‌ها و تأثیر آن بر توزیع دریافتی نیروی کار می‌پردازند (ibid, 381).

#### ۴-۵. جریان مطالعه تجربی توزیع درآمد

رویکردهای متعدد آماری مطالعه توزیع درآمد درصدد این هستند که با استفاده از حقایق تثبیت

- 
1. Tinbergen
  2. Roy
  3. Stochastic theories
  4. Selection models
  5. Sorting models
  6. Agency models
  7. Tournament theory
  8. Efficiency Wage

شده یا فرضی در مورد کسب درآمد الگوهای مشاهده توزیع درآمد را منطق یابی<sup>۱</sup> کنند. پارتو نخستین فردی بود که این رویکرد را بنا نهاد. وی توزیع درآمد چند کشور در یک برهه زمانی را مورد مطالعه قرار داده و رابطه زیر را کشف کرد:

$$\log N = \log A - \alpha \log y.$$

که در آن  $N$  تعداد افرادی است که حداقل به اندازه  $y$  درآمد دارند و  $A$  پارامتری است که اندازه جمعیت را بیان می‌کند.  $\alpha$  «ثابت پارتو» می‌باشد که وی مقدار آن را  $1/5$  تخمین زد. طبق این رابطه میانگین درآمد کسانی که بیش از  $y$  درآمد دارند، برابر است با  $\alpha / (\alpha - 1)$  ضرب در  $y$ . بنابراین اگر  $\alpha = 1.5$  باشد میانگین درآمد کسانی که بیش از ۱۰ هزار فرانک درآمد دارند، باید برابر با ۱۵ هزار فرانک باشد (Pareto, 1896). ویژگی بارز این جریان آن است که معمولاً تلاش نمی‌کنند تا فروزشان را برای نظریه تعادل بازار عوامل تولید نئوکلاسیک بنا کنند؛ بلکه به جای از روش‌های خاصی برای منطق یابی مشاهده‌شان استفاده می‌کنند؛ همانند کاری که پارتو انجام داد (Sandmo, 2013, 46).

چند نفر راه پارتو را ادامه دادند که از جمله آنها کوزنتز بود. وی تغییرات درآمد آمریکا و انگلیس و آلمان را طی یک قرن بررسی کرد و نتیجه گرفت که با توجه به حاکمیت اقتصاد کشاورزی در دوران پیش از انقلاب صنعتی و تمرکز بر نیروی کار به‌عنوان عامل اصلی کسب درآمد، بی‌عدالتی کمتر بود. اما بعد از انقلاب صنعتی سهم درآمد سرمایه و میزان استفاده از سرمایه افزایش پیدا کرد و در نتیجه بی‌عدالتی تعمیق شد؛ ولی مجدداً در اواخر قرن نوزدهم و کمی بعد در آلمان و آمریکا بی‌عدالتی کاهش پیدا کرد (Kuznets, 1955, cited in Sandmo, 2013, 47).

#### ۴-۶. رویکردهای هنجاری توزیع درآمد

رویکردهایی که در بین اقتصاددانان غربی به‌عنوان رویکردهای هنجاری توزیع درآمد شناخته می‌شود شامل مطلوبیت‌گرایی،<sup>۲</sup> رفاه‌گرایی،<sup>۳</sup> ایثار مساوی،<sup>۴</sup> سودمندی از مالیات، دیدگاه‌های برابری‌طلبی،<sup>۵</sup> رالز<sup>۶</sup> و نوزیک<sup>۷</sup> و نظریه‌های مارکسیستی می‌باشد. فرض کنید همه افراد درآمدی را که دریافت می‌کنند براساس یک تابع مطلوبیت فزاینده و مقعر یکسان ارزش‌گذاری می‌کنند.

1. rationalize

2. Utilitarianism

3. welfarism

4. Equal sacrifice

5. Egalitarian

6. Rawls

7. Nozick

حداکثرسازی استاندارد تابع هدف مطلوبیت‌گرایانه مدنظر، که جمع مطلوبیت افراد است، به یک توزیع بهینه‌ای منجر می‌شود که کاملاً برای طلبانه است. سپس نابرابری را می‌توان به‌عنوان فاصله بین توزیع واقعی و این مرجع برای طلبانه اندازه‌گیری کرد. بین دو توزیع با میانگین یا کل درآمد یکسان، توزیع ترجیح داده شده توسط اجتماع، آنی است که کمترین نابرابری را دربردارد. اینها ایده‌هایی هستند که در ابتدا توسط پیگو (۱۹۱۲) و دالتون (۱۹۲۰b) در چارچوب مطلوبیت‌گرایانه بیان شدند (Atkinson & Bourguignon, 2000, 42).

دیدگاه رفاهی گسترده‌تری در پایان دهه ۱۹۶۰ توسط کلم (۱۹۶۹) و اتکینسون (۱۹۷۰) ایجاد شد. در این چارچوب، تابع مطلوبیت باید به‌عنوان روشی تفسیر شود که در آن جامعه، به‌جای خود افراد، درآمدهای فردی را ارزش‌گذاری می‌کند. در آن مورد نیز حداکثر رفاه تحت یک محدودیت درآمد کل ثابت با برابری کامل حاصل می‌شود. برای یک درآمد کل معین، نابرابری را می‌توان به‌عنوان تغییری در شکاف بین سطح رفاه اجتماعی مربوط به توزیع مشاهده شده و این حداکثر اندازه‌گیری کرد (Kolm, 1969, cited in Atkinson, 2000, 42).

نظریات ایثار برابر مبنای خود را بر توزیع مساوی نابرابری می‌گذارند. جمعی از اقتصاددانان اواخر قرن نوزده حامی این دیدگاه بودند؛ اما علت اصلی که باعث شد این نظریه از دایره مباحث امروزی توزیع خارج شود، این است که فروض این رویکرد با حداکثرسازی تابع رفاه اجتماعی سازگار نبود (Sandmo, 2013, 84). نظریات سودمندی از مالیات معتقد بودند که رعایت انصاف در روابط بین دولت و مردم مستلزم این است که مالیات درازای سودمندی‌هایی که از دولت دریافت می‌کنند به دولت مالیات پردازند و این می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای دریافت مالیات و بازتوزیع درآمد در یک اقتصاد باشد. ویکسل (۱۸۹۶) این رویکرد را در مقاله خود به‌طور کامل بیان کرده است.

نظریات برابری طلبی بیان می‌کنند که تخصیص کالا در صورتی عادلانه است که مجموعه انتخاب مشترکی از کالاها وجود داشته باشد که هر فردی در اقتصاد بتواند با آزادی کامل به آن سبیدی از کالاها که به او تخصیص پیدا کرده دست پیدا کند. این رویکرد همانند رویکرد مطلوبیت‌گرایی و رفاه‌گرایی فرض نمی‌کند توابع مطلوبیت یکسان وجود دارند و به‌جای آن بر سبیدی از کالاها تمرکز می‌کند. این برابری البته فقط شامل کالاها نمی‌شود و برای فرصت‌ها و منابع پیش روی افراد نیز مطرح است (Dworkin, 1981, Ameson 1989, cited in Atkinson, 2000, 48).

نظریه هنجاری مهم دیگر نظریه عدالت رالز می‌باشد. اصول دوگانه عدالت رالز بدین شرح است: اول آنکه هرکسی حق دارد از آزادی‌های بنیادین برابر با دیگران و تا آنجا که با حق مشابه دیگران وفق بدهد برخوردار باشد؛ دوم آنکه نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید طوری ترتیب



داده شود که اولاً حاصل جمع یا نتیجه نهایی آنها به نفع عموم مردم باشد؛ یعنی نابرابری در بلندمدت وضع محروم‌ترین گروه جامعه را بهتر کند؛ ثانیاً فرصت نیل به مزایای حاصل از نابرابری‌ها برای همه افراد در دسترس باشد؛ یعنی آن مزایا به مقام‌ها و مشاغل بستگی داشته باشد، نه به اشخاص خاص و دستیابی به آن مقام‌ها و مشاغل تحت شرایط تساوی برای همگان میسر باشد. اصل اول در نظریه عدالت رالز از آزادی برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند و اصل دوم ناظر بر این است که در چه وضعی می‌توان گفت که نابرابری‌ها موجه و عادلانه‌اند (Rawls, 1971: 53 and 73). رالز با اینکه با ارائه اصول عدالت خود مشکل جمع آزادی و عدالت را حل می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ عدالتی بدون آزادی تحقق‌یافتنی نیست. دو اصلی که رالز پیشنهاد می‌کند یکی ناظر بر آزادی‌های بنیادین و دیگری ناظر بر نابرابری‌هاست.

طبق نظریه عدالت نوزیک<sup>۱</sup> هر نظریه عدالتی باید در درجه اول مبتنی بر پذیرش حقوق طبیعی فرد باشد نه اینکه حقوق طبیعی فرد از اصول انتزاعی اخلاق و عدالت استنتاج شود. به نظر او حقوق آدمی نسبت به حیات، آزادی و مالکیت مطلق است و هیچ عملی که ناقض آنها باشد عادلانه نخواهد بود. به نظر نوزیک اصل اکتساب و مالکیت بیان شده از سوی لاک هنوز معتبر است و دولت باید به آن احترام بگذارد. طبق اصل مالکیت لاک اگر انسانی کار خود را با منابع زمینی درهم آمیزد، شیء حاصل از آن اوست؛ به شرطی که منابع «مشترک کافی به همان اندازه مرغوب برای دیگران نیز باقی بماند» (نوراحمدی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۱-۲۵۶).

#### ۴-۷. بررسی تأثیر سایر عوامل بر توزیع درآمد

مطالعات و نظریه‌های متعدد دیگری نزد اقتصاددانان غربی وجود دارد که هدف آنها بررسی تأثیر عواملی چون مالیات، تکنولوژی، ریسک‌پذیری است. طبق مطالعات دومار (۱۹۴۴) مالیات بر درآمد منجر به این می‌شود که افراد بیشتر به سمت مشاغل ریسکی بروند و در نتیجه باعث تعمیق تفاوت در درآمد و بی‌عدالتی می‌شود. رشد فنی و ارتقای تکنولوژی به افزایش نیاز به نیروی کار تحصیل کرده و بالتبع دستمزد نیروی کار تحصیل کرده منجر می‌شود که این موضوع باعث تغییر در توزیع درآمد می‌شود (Domar, 1944, cited in Sandmo, 2013, 38). همچنین، ریسک‌پذیری انسان‌ها در شرایطی که فرصت‌های برابری داشته‌اند از جمله دیگر عوامل اثرگذار بر توزیع درآمد است (Tinbergen, 1975, cited in Atkinson, 2000, 10).

1. entitlement theory

#### ۴-۸. جبران بی‌عدالتی

سؤالی اساسی این رویکرد آن است که آیا می‌توان بی‌عدالتی را با تنظیم مجدد کاهش داد؟ برای درک و طراحی سیاست‌های بازتوزیع باید هم‌زمان نکاتی را در حیطه اخلاق و فلسفه اخلاق در نظر گرفت و سپس با استفاده از ترکیب این دو برای طراحی حیطه‌های مباحثات توزیع درآمد یعنی بازتوزیع، تلاش کرد (Sandmo, 2013, 52). بیشتر اقتصاددانان متقدم غربی مخالف جدی جبران بی‌عدالتی بودند؛ زیرا برون‌داد کارایی را عادلانه می‌دانستند. مالتوس فقرا را افرادی غیرمولد می‌داند که اعانه به آنها موجب رشد جمعیت آنها شده و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. وی به طور کلی توزیع درآمد غیرعادلانه و عدم‌تساوی میان طبقات در بهره‌برداری از مالکیت و ثروت را علت فقر فقرا نمی‌داند و فقیر بودن فقرا را ناشی از رفتار اجتماعی خود فقرا معرفی می‌کند (تفضلی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸-۱۴۴).

ریکاردو در حوزه بازتوزیع درآمد به خیرخواهان فقرا توصیه می‌کند که «باید مشتاقانه آرزوی لغو کمک به فقرا باشند» (Ricardo, 1951, 106). میل در مورد بازتوزیع درآمد به نقش ویژه حکومت در ثبات‌بخشی معتقد است. وی توصیه می‌کند که اندوخته‌های قابل سرمایه‌گذاری به صورت مالیات ستانده شده و به مصرف طرح‌های اجتماعی مفید برسد؛ اما منظور او از طرح‌های اجتماعی، برنامه‌های کمک‌رسانی به فقرا نیست. مارشال اگرچه به کاهش فقر علاقه‌مند بود (باربر، ۱۳۷۰، ص ۲۲۱)، اما در مورد چگونگی آن معتقد بود که «نیروهای (خودکار) اجتماعی و اقتصادی که در حال کار کردن هستند توزیع ثروت را بهتر می‌کنند. (Marshall, 1920, 592-593). درحقیقت، مارشال از منظر مطلوبیت جمعی به مسئله توزیع نگاه می‌کند و برآیند تصمیمات تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را بهترین توزیع می‌داند. والراس در یک موضع گیری کلی‌تری می‌نویسد: «توصیف ما از رقابت بر مسئله مطلوبیت تأکید می‌کند؛ اما مسئله عدالت کاملاً به کناری می‌نهد» (Walras, 1874, 77; 1954, 257).

#### ۵. واکاوی تطبیقی-انتقادی نظریه توزیع شهیدصدر و اندیشمندان اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک

عمده مباحث اقتصاددانان غربی ذیل مبحث «توزیع» از سنخ مباحث علمی هستند؛ اما این مطالعات در چارچوب نگاه مکتبی بوده و در ارزیابی آنها سعی شده است تا گزاره‌های مکتبی نیز اشراب شوند. علم اقتصاد به تفسیر زندگی اقتصادی و رویدادها و پدیده‌های آن می‌پردازد؛ اما مکتب اقتصادی عبارت است از شیوه‌ای است که هر جامعه ترجیح می‌دهد که در زندگی اقتصادی

خویش از آن پیروی نماید (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۶). مبحث «توزیع» نیز از این تفکیک مستثناست و باید ابعاد علمی و مکتبی این مبحث را از هم تفکیک کرد. طبق دیدگاه شهید صدر مکتب سرمایه‌داری سه گزاره مکتبی دارد: آزادی تملک، آزادی بهره‌برداری و آزادی مصرف (همان، ص ۲۹۲). اما اندیشمندان اقتصاد سرمایه‌داری همیشه در تلاش بوده‌اند تا این گزاره‌های مکتبی را یک قانون علمی برآمده از نظام طبیعی جلوه داده و هر کوششی در جهت از بین بردن بخشی از آزادی‌های سرمایه‌داری را جنایتی در حق قوانین عادلانه طبیعی به شمار آورند (همان، ص ۲۹۶). همان‌طور که در بخش قبل بررسی شد نظریه توزیع اقتصاددانان سرمایه‌داری به‌مرور زمان از تمرکز بر مبحث توزیع کارکردی به توزیع مقداری درآمد در سطح کلان منتقل شده است و امروزه تقریباً تمامی مباحث توزیع درآمد نزد ایشان ذیل عنوان توزیع مقداری درآمد می‌گنجد.

#### ۵-۱. فقدان نظریه توزیع پیش از تولید

اقتصاددانان سرمایه‌داری به مالکیت خصوصی زمین و آزادی در تصرف آنها معتقد بودند؛ از این رو اساساً نیازی به بحث در مورد چگونگی توزیع پیش از تولید نداشتند. توزیع زمین و منابع در این دیدگاه حاصل مجموعه‌ای از اتفاقات است که خارج از دایره بررسی‌های علم اقتصاد قرار دارد و مجموع دیدگاه اقتصاددانان سرمایه‌داری نشان می‌دهد که این مکاتب و اندیشمندان در زمینه مالکیت زمین و سرمایه فاقد نظریه توزیع می‌باشند (Sandmo, 2013, 26). در حالی که شهید صدر اعضای جامعه را دارای حقی پیشینی در منابع طبیعی می‌دانند که با برقراری نظام توزیع پیش از تولید این شرایط ایجاد می‌شود تا تمام افرادی که انگیزه و توان استفاده اقتصادی و بهره‌ورانه از این منابع را دارند از آن بهره‌مند شوند و افرادی که به دلایل متعددی نمی‌توانند به‌طور مستقیم از این منابع بهره‌مند شوند، این استحقاق را دارند که از طریق اجاره‌ها و مالیات‌های دریافتی از منابع طبیعی بهره‌مند شوند. مبتنی بر همین نگاه است که در اقتصاد اسلامی تأمین نیازمندان از منبع مالکیت‌های دولتی تجویز می‌شود (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۲۹).

دیدگاه شهید صدر در مورد مالکیت دولتی زمین با یک استدلال عقلی آغاز می‌شود: چون منابع طبیعی و از جمله زمین، مصنوع هیچ انسانی نیستند، از این رو نباید به مالکیت خصوصی یک فرد دربیاید. وی با بررسی تاریخ فعالیت انسان‌ها بر زمین به این نتیجه می‌رسد که حقوق اختصاصی نسبت به زمین (مثل حق اولویت فرد احیاکننده بر دیگران) از نظر تاریخی نتیجه کار و تلاش بر روی آن بوده و به‌مرور زمان، این حقوق شکل مالکیت خصوصی به خود گرفته است. طبق بررسی‌های تاریخی احیا تنها عامل اصلی پذیرفته‌شده در جوامع اولیه برای ایجاد حق فردی بر زمینی بوده و عوامل دیگر زائیده

اوضاع و احوال بعدی جوامع بوده و آن را از حالت فطری و مقتضیات طبیعی خود دور کرده‌اند و در نهایت، آن عامل اصلی اعتبار خود را از دست داد و هوا و هوس بر فطرت غالب شد تا آنجا که تاریخ مالکیت خصوصی بر زمین، از انواع ستم و انحصار پر شد و زمین، به همان اندازه که برای برخورداران گسترده شد برای توده‌های مردم تنگ شد. اسلام دیگر بار اعتبار این عامل فطری را به آن بازگرداند و همه عوامل دیگر را کنار زد (همان، ص ۱۴۱-۱۴۲).

#### ۵-۲. تعیین سهم عوامل تولید ضمن پذیرش سه اصل مکتبی سرمایه‌داری

سه رویکرد اول بررسی شده در مبحث توزیع اقتصاددانان سرمایه‌داری همگی ضمن پذیرش اصول سه‌گانه مکتبی اقتصاد سرمایه‌داری در زمینه سهم بری عوامل تولید بوده‌اند. این اصول همگی طبق اندیشه شهید صدر در زمینه توزیع پس از تولید مورد نقد واقع شده‌اند.

#### ۵-۲-۱. سرمایه محوری در برابر انسان محوری در توزیع پس از تولید

شهید صدر قاعده اصلی تولید را این‌گونه بیان می‌کند: «تولید در خدمت انسان است نه انسان در خدمت تولید» (۱۳۹۴، ص ۱۰۷). مهم‌ترین نقدی که طبق دیدگاه شهید صدر به رویکرد سرمایه‌داری در این زمینه وجود دارد، عدم درک جایگاه کارگر و انسان در فرایند تولید توسط این مکاتب است در نظریه سرمایه‌داری، نقش انسان برابر با نقش وسیله‌ای است که در خدمت تولید به کار گرفته می‌شود و نه هدفی که تولید در خدمت آن است. اما انسان در نگره اسلامی، جایگاه هدف را دارد، نه وسیله (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۵۸).

البته باید توجه کرد که مفهوم کارگر در اندیشه شهید صدر برابر با تمامی نیروهای انسانی دخیل در تولید است و فقط اشاره به کارگر به معنای عرفی آن ندارد. افرادی که در این فرایند به‌طور مستقیم کار نمی‌کنند و حضور ندارند ولی ابزار، زمین، ساختمان و سرمایه در اختیار نیروی کار قرار داده‌اند همگی حول محور اصلی تولید یعنی نیروی کار تعریف می‌شوند. ایجاد تغییر در طبیعت و تبدیل کردن مواد اولیه به موادی بهتر و مفید آن کار بسیار ارزشمندی است که فاعل اصلی آن نیروی کار است و دیگر عوامل در پرتو نیروی کار نقش ایفا می‌کنند.

#### ۵-۲-۲. اصلاح رفتار اقتصادی مالک زمین

دیدگاه مکتب نئوکلاسیک در سهم بری زمین بسیار تحت تأثیر دیدگاه ریکاردو در مورد مقادیر نهایی می‌باشد. به عبارتی دیگر، اعتراض اندیشمندان نئوکلاسیک به اندیشمندان کلاسیک این بود که چرا

قاعده بازده نزولی فقط در مورد زمین به کار برده می‌شود و در سهم‌بری نیروی کار و سرمایه نیز از این قاعده استفاده نمی‌شود. بنابراین، به صورت کلی هر دو مکتب اقتصادی معتقد به سهم‌بری زمین از فعالیت اقتصادی می‌باشند. دیدگاه شهید صدر با هر دو نگاه مخالف است و معتقد است که زمین و ابزار، صرفاً حق دریافت اجاره ثابت تضمین شده را دارند و نمی‌توان برای آن درصد مشخصی از عایدی کل را تعیین کرد. این تأکید شهید صدر افزون بر دلالت توزیعی، یک دلالت در حوزه تربیت اقتصادی نیز دارد و آن اینکه مطلوب است خود این فرد به تنهایی یا با مشارکت‌دهی به دیگر عوامل، به کار و فعالیت اقتصادی بر روی زمین مبادرت ورزد و از اجاره‌دادن زمین حتی المقدور خودداری کند. اما اگر فردی که دارای حق اولویت اختصاصی است، بخواهد آن را اجاره دهد، در این صورت نمی‌تواند ادعای مشارکت و سهم‌شدن در نتایج نهایی محصول را داشته باشد و صرفاً می‌تواند اجرت ثابت دریافت کند؛ اما در مورد ابزارآلات و تجهیزات تولید ایشان با استناد به اینکه مالک ابزار خود در تولید هیچ مشارکت مستقیمی ندارد و صرفاً کار نهفته در ابزارش مصرف می‌شود؛ بنابراین وی صرفاً مستحق دریافت اجرت ثابتی بابت اجاره ابزارش می‌باشد و نمی‌تواند به این استناد درصد مشخصی از سود حاصل از تولید را دریافت کند.

در مجموع ایده اقتصاد غربی در بحث توزیع پس از تولید به دلیل عدم توجه به توزیع پیش از تولید نقص اساسی دارد. به گفته یکی از اندیشمندان اقتصاد غربی این تئوری فقط تعیین نرخ بهره و اجاره زمین را بررسی می‌کند؛ اما نظریه توزیع سرمایه و توزیع درآمدهای زمین باید به نرخ بهره ضربدر مالکیت سرمایه و به نرخ اجاره زمین ضربدر مالکیت زمین به طور توأمان توجه کند (Sandmo, 2013, 29).

### ۵-۲-۳. نقض ضرورت بازار پول

سرمایه نزد اقتصاددانان سرمایه‌داری و دیگر جریان‌ات مستقل، مستحق دریافت سود ثابت است؛ اما به دلیل پایداری مالکیت و رشد و نمای سرمایه اساساً سرمایه نمی‌تواند انتظار یک نرخ ثابت تعیین شده یا همان «بهره» را داشته باشد. همچنین، اگر این سرمایه به جای رشد و نمو، دچار زیان شده و از اصل سرمایه کاسته شود، این زیان برعهده خود اوست (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۹۸). اگر این اجازه به پول داده شود که به ابزاری مستقل برای افزایش مال تبدیل شود باعث نتایج خطرناک در زمینه توزیع شده و به کلی توازن اجتماعی را مخدوش خواهد کرد. عارض شدن این نقش بر پول یک انحراف است و نقش پول باید منحصر به فلسفه شکل‌گیری آن یعنی جانشین عام کالاها، سنجش قیمت و تسهیل مبادله باشد.

دیدگاه کینز در مورد تأثیرگذاری بازار پول بر تعیین نرخ بهره در حقیقت یک گزاره علمی (علم به معنای کشف از واقع) است که در اثر مطالعه کنش‌های جامعه‌ای استخراج شده است که در آن هنجارهای اقتصاد سرمایه‌داری نهادینه شده است. کینز به دیگر اقتصاددانان جامعه‌اش این پیام ضمنی را منتقل می‌کند که شما در توصیف جامعه سرمایه‌داری دقیق نبوده‌اید و محل تعیین نرخ بهره بازار سرمایه نیست و بازار پول می‌باشد؛ اما طبق دیدگاه شهیدصدر اساساً نباید برای پول نرخ بهره ثابتی را در نظر گرفت و بالتبع نیز نباید این اجازه را داد چنین بازاری برای پول شکل بگیرد (همان، ص ۳۳۱-۳۵۳). از این رو، این تصور غالب که افزایش و کاهش حجم پول باعث کاهش و افزایش نرخ بهره شده و بالتبع سرمایه‌گذاری و تولید و اشتغال را افزایش و کاهش می‌دهد، می‌تواند وجود نداشته باشد و رشد تولید تابع عوامل دیگری باشد.

### ۳-۵. تعریف حق برای نیازمند در ثروت عمومی

آنچه از دیدگاه اقتصاددانان سرمایه‌داری در زمینه توزیع مجدد به دست می‌آید، عدم اعتقاد به وجود آن به عنوان یک جزء مشخص در ساختار نظام اقتصادی است. طبق دیدگاه ایشان در یک مکتب آزادی‌طلبی هرکسی چیزی را دریافت می‌کند که به ازای آن چیزی داده باشد و اگر اشخاصی بخواهند بیش از آنچه به اجتماع می‌دهند، دریافت کنند هر اسمی به آنها بگذارید در هر صورت طفیلی جامعه هستند و اعانه بگیر. طبق این دیدگاه نوع دوستی در مرحله قبلی یعنی مبادله کارا اعمال شده و نیازی به این مرحله دوم نیست. نوع دوستی در مرحله اول همان بوده است که در رقابت آزاد هرکسی با هدف حداکثرسازی نفع خود در حقیقت برای رفع نیازمندی‌های دیگران تلاش می‌کند و نتایج زندگی‌اش به بهبود زندگی دیگران با کمترین هزینه می‌انجامد و این خود یک فضیلت اخلاقی است.

اما شهیدصدر با معرفی «نیاز» به عنوان دومین ابزار توزیع در کنار «کار» نیازمندی را به تنهایی یک عامل در بهره‌مندی از توزیع ثروت می‌داند؛ زیرا نیازمندی نیازمندان یک تصمیم اختیاری نبوده و حاصل عواملی خارج از کنترل و اراده و اختیار ایشان می‌باشد<sup>۱</sup> و بنابراین حتماً باید به حکم انسان بودن نیازهای ایشان تا حد کفاف تأمین شود (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۱).

۱. بدیهی است که آن دسته از نیازمندانی که به صورت بالقوه امکان خارج از دایره نیازمندان را دارند موضوع بحث توزیع مجدد نیستند.

#### ۴-۵. راهگشایان بودن مطالعات علمی اقتصاددانان سرمایه‌داری برای حل مسئله توزیع درآمد ناعادلانه

طبق اندیشه شهید صدر مطالعات علمی و بررسی چستی وقایع اقتصادی و قانون‌مندی‌های حاکم بر آن نمی‌تواند موجب حل مشکلات اساسی شود (همان، ص ۳۶۸). در بخش قبل بررسی شد که اغلب مطالعات اقتصاددانان سرمایه‌داری حول مبحث توزیع، مطالعاتی علمی (به معنای غیر مکتبی) هستند که صرفاً در مورد توصیف وضعیت توزیع درآمد و عوامل مؤثر مشاهده شده بر آن اطلاعاتی را ارائه می‌دهند. این مطالعات می‌تواند به بررسی بسیاری از عوامل دیگر بر توزیع درآمد گسترش پیدا کند، همان‌طور که در بخش بررسی تأثیر دیگر عوامل بر توزیع درآمد مورد توجه قرار گرفت؛ اما نکته مهم‌تر این است که این مکتب به دلیل سه اصل مکتبی خود هیچ وقت نمی‌تواند از عوامل اصلی ایجاد کننده توزیع نابرابر درآمد‌رهایی یابد و به یک نظام توزیع عادلانه در سه ساحت توزیع پیش از تولید، توزیع پس از تولید و توزیع مجدد دست پیدا کند.

#### ۶. رهیافتی ریاضی در بیان دیدگاه توزیعی شهید صدر

الگوی نسل‌های تداخلی آل<sup>۱</sup> (۱۹۷۴)، ساموئلسون<sup>۲</sup> (۱۹۵۸) و دیاموند<sup>۳</sup> (۱۹۶۵) (Sited in Blanchard & Fischer, 1993:p.91) دومین مدل پایه‌ای است که در اقتصاد کلان دارای مبانی خردی استفاده می‌شود. دوران زندگی انسان‌ها در این مدل به دو دوره پیری و جوانی تقسیم می‌شود. افراد فقط در دوره جوانی کار می‌کنند و در این دوره بخشی از درآمد خود را مصرف و بخشی از آن را پس‌انداز می‌کنند. مصرف دوره پیری با عواید حاصل از پس‌انداز دوره جوانی تأمین می‌شود. در هر دوره زمانی جوانان آن نسل و پیران نسل قبلی به صورت هم‌زمان زندگی می‌کنند. مصرف دوره جوانی هر فرد در دوره  $t$  با  $c_{1t}$  و مصرف دوره پیری  $t + 1$  با  $c_{2t+1}$  نشان داده می‌شود. پس‌انداز افراد جوان در دوره  $t$  موجب تشکیل سرمایه شده و این موجودی سرمایه به همراه کار عرضه شده توسط نسل جوان محصول دوره  $t + 1$  را تولید می‌کند. تعداد افراد متولد شده در زمان  $t$  برابر  $N_t$  است. نرخ رشد جمعیت  $n$  بوده و بنابراین  $N_t = N_0(1 + n)^t$ . بنگاه‌ها در شرایط فنی بازده ثابت به مقیاس تولید  $Y = F(K, N)$  قرار دارند. فرض می‌کنیم تولید خالص بوده و میزان تولید پس از کسر استهلاک را نشان می‌دهد. مسئله بیشینه‌یابی فردی در این مدل عبارت است از:

1. Allais  
2. Samuelson  
3. Diamond

$$\text{Max } u(c_{1t}) + (1 + \theta)^{-1}u(c_{2t+1})$$

$$c_{2t+1} = (1 + r_{t+1})S_t + c_{1t} + S_t = w_t \text{ مشروط به}$$

مسئله بیشینه‌یابی از منظر برنامه‌ریز مرکزی نیز - که در واقع یک تابع رفاه اجتماعی است به صورت می‌باشد:

Max

$$U = (1 + \theta)^{-1}u(c_{20}) + \sum_{t=0}^{T-1} (1 + R)^{-t-1} [u(c_{1t}) + (1 + \theta)^{-1}u(c_{2t+1})]$$

قید محدودیت منابع برای برنامه‌ریزی مرکزی براساس شرط زیر است. عرضه کالاها به مصرف جوانان و پیران همان دوره تخصیص داده شده و موجودی سرمایه برای دوره را تأمین می‌نماید (Ibid, 1993:p.92-98).

طبق دیدگاه شهیدصدر برنامه‌ریز مرکزی باید نسبت به ایجاد شرایط یکسان برای بهره‌مندی همه اعضای جامعه از منابع طبیعی حساسیت لازم را داشته باشد. همچنین، مبتنی بر مباحثی که ایشان در مورد ابزارهای توزیع مطرح می‌کنند، افزون بر کار، نیاز نیز در بهره‌مندی افراد از ثروت تولید شده در جامعه نقش دارد؛ یعنی حتماً باید شرایطی ایجاد شود که همه افراد حاضر در جامعه به اندازه مناسبی، که این اندازه می‌تواند حدکفاف باشد، بهره‌مند شوند. شهیدصدر ذیل مبحث نظریه تولید به انواع ابزارهای فکری و تشریحی اشاره می‌کند که در مکتب اقتصاد اسلامی نهادینه شده تا رشد تولید را تشویق کند. این موضوع در کنار اصل درآمد مبتنی بر کار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول توزیع پس از تولید در نظریه ایشان و در کنار جایگاه اولویت‌دار کار نسبت به نیاز در ابزارهای توزیع حاکی از ضرورت وجود روحیه تولیدکنندگی و کار و تلاش در تمام اعضای جامعه می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت: هر فرد در عین اینکه به حکم انسان بودن حق دارد از سطح مصرف متناسبی (حدکفاف) برخوردار باشد (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۸۵-۳۸۶ و ۳۹۰)، این وظیفه را نیز دارد که حتماً در تولید ثروت جامعه نیز نقش مؤثری داشته باشد (همان، ص ۳۳۴-۳۳۸ و ۳۵۱) و نیز این حق را دارد که از ابزارهای توزیع نیز به صورت برابر بهره‌مند باشد (همان، ص ۱۸۹). برای انعکاس این نکات در مدل نسل‌های تداخلی باید به جای استفاده از مقادیر سرانه از مقادیری استفاده کرد که روابط توزیعی بیان شده را تضمین کند.

$$\text{سهم جوانان هر دوره در تولید کل (ثروت آفرینی) آن دوره: } \frac{N_t}{Y_t}$$

$$\text{سهم جوانان هر دوره از کل ابزار تولید آن دوره: } \frac{N_t}{K_t}$$



سهم تضمین شده جوانان از کل مصرف جوانان دوره  $t$ :  $\frac{N_t}{C_{1t}}$

سهم تضمین شده پیران هر دوره از کل مصرف پیران آن دوره:  $\frac{N_t}{C_{2t+1}}$

سهم تضمین شده جوانان هر دوره از کل دستمزد آن دوره:  $\frac{N_t}{W_t}$

سهم جوانان هر دوره در پس انداز کل آن دوره:  $\frac{N_t}{S_t}$

معکوس این نسبت‌ها حالت سرانه را به نمایش می‌گذارد و واحد شمارش آن برگرفته از صورت کسر می‌باشد؛ اما تمامی نسبت‌های فوق یک ضریب مشخص با واحد شمارش از جنس انسان را (با فرض پیوستگی) به نمایش می‌گذارند که حاوی معنای تضمین در توزیع و بهره‌مندی می‌باشد. فرض می‌شود که همه انسان‌ها باید به یک اندازه برابر متناسب با کل ثروت تولید شده در جامعه بهره‌مند شوند و فعلاً عدالت به معنای تساوی در توزیع در تمامی کسرهای فوق مدنظر است.

$$\frac{N_t}{W_t} = \frac{N_t}{C_{1t}} + \frac{N_t}{S_t}$$

$$\frac{N_t}{C_{1t}} = \frac{N_t}{W_t} - \frac{N_t}{S_t} = \frac{N_t S_t - N_t W_t}{W_t S_t} \rightarrow C_{1t} = \frac{N_t W_t S_t}{N_t S_t - N_t W_t}$$

$$\begin{aligned} \frac{N_t}{C_{2t+1}} &= \frac{N_t}{S_t(1+r_{t+1})} = \frac{1}{(1+r_{t+1})} \left( \frac{N_t}{W_t} - \frac{N_t}{C_{1t}} \right) \rightarrow \frac{N_t}{C_{2t+1}} \\ &= \frac{1}{(1+r_{t+1})} \frac{N_t C_{1t} - N_t W_t}{W_t C_{1t}} \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \frac{N_t}{C_{2t+1}} &= \frac{1}{(1+r_{t+1})} \left( \frac{N_t}{W_t} - \frac{N_t}{C_{1t}} \right) \rightarrow \frac{N_t}{C_{2t+1}} = \frac{1}{(1+r_{t+1})} \frac{N_t C_{1t} - N_t W_t}{W_t C_{1t}} \\ &\rightarrow C_{2t+1} = \frac{(1+r_{t+1}) W_t C_{1t}}{C_{1t} - W_t} \end{aligned}$$

هدف نهایی ما حداکثرسازی مطلوبیت<sup>۱</sup> بین‌زمانی یک نسل در دو دوره جوانی و پیری با قید

جدیدی می‌باشد که در آن ویژگی تضمین به‌نحوی که بیان شد وجود دارد:

۱. شهید صدر مفهوم «حب ذات» را معرفی می‌کند که گستره معنایی وسیع‌تری از «مطلوبیت» و منافع انسانی را دربرمی‌گیرد. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «حب ذات، غریزه‌ای است که در ما ریشه‌دارتر و گسترده‌تر از آن سراغ نداریم. چون حب انسان به خود، یعنی اینکه انسان لذت و سعادت را برای خودش بخواد و از درد و بدبختی برای خودش نفرت داشته باشد، عاملی است که انسان را به کسب معیشت و تهیه نیازهای غذایی و مادی برای خود وادار می‌کند. بنابراین، آن واقعیت طبیعی حقیقی که با انگشتانش انسان را جهت می‌دهد، حب ذات است که ما از آن به حب لذت و نفرت از درد، تعبیر می‌کنیم» (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۲۳-۳۲۷). اگر فرض کنیم که  $C_t$  شامل تمامی منافع

$$Z = \frac{N_t}{C_{1t}} u(C_{1t}) + \frac{N_t}{C_{2t+1}} u(C_{2t+1})$$

برای حداکثرسازی این تابع،  $C_{2t+1}$  را مبتنی بر قید محاسبه کرده و در تابع هدف جایگذاری می‌کنیم و از آن نسبت به  $C_{1t}$  مشتق گرفته مساوی صفر قرار می‌دهیم:

$$Z = \frac{N_t}{C_{1t}} u(C_{1t}) + \frac{N_t C_{1t} - N_t W_t}{(1 + r_{t+1}) W_t C_{1t}} u\left(\frac{(1 + r_{t+1}) W_t C_{1t}}{C_{1t} - W_t}\right)$$

$$\frac{\partial Z}{\partial C_{1t}} = -\frac{N_t}{C_{1t}^2} u(C_{1t}) + \frac{N_t}{C_{1t}} u'(C_{1t}) + \frac{N_t}{(1 + r_{t+1}) C_{1t}} u(C_{2t+1}) - \frac{W_t (N_t C_{1t} - N_t W_t)}{[C_{1t} - W_t]^2 C_{1t}} u'(C_{2t+1}) = 0$$

اگر به جای  $C_{1t} = \frac{N_t W_t S_t}{N_t S_t - N_t W_t}$  و به جای  $C_{2t+1} = \frac{N_t (1 + r_{t+1})}{\frac{N_t}{S_t}}$  را جایگزین کنیم در این صورت می‌توان یک تابع ضمنی برای پس انداز به دست آورد:

$$S_t = S(W_t, r_{t+1}, N_t)$$

در ادامه باید شرط تعادل بازار عوامل تولید را با استفاده از قیود جدید به دست آورد:

$$Y_t = F(K_t, N_t) \rightarrow \frac{Y_t}{K_t} = F\left(\frac{N_t}{K_t}, \frac{N_t}{N_t}\right) \rightarrow Y_t = K_t F\left(\frac{N_t}{K_t}\right)$$

$$\pi_t = F(K_t, N_t) - rK_t - wN_t$$

$$\frac{\partial \pi_t}{\partial N_t} = F'\left(\frac{N_t}{K_t}\right) - w = 0 \rightarrow w = F'\left(\frac{N_t}{K_t}\right)$$

$$\frac{\partial \pi_t}{\partial K_t} = F'(K_t, N_t) - r = 0 \rightarrow r = F\left(\frac{N_t}{K_t}\right) - \frac{N_t}{K_t} F'\left(\frac{N_t}{K_t}\right)$$

در اقتصاد غربی ابتدا سهم عامل سرمایه از طریق رابطه  $r = f'(k)$  تعیین می‌شود و سپس سهم نیروی کار از طریق رابطه  $w = f(k) - kf'(k)$  تعیین می‌شود؛ اما تغییر فروض به این منجر شد که ابتدا دستمزد نیروی کار از تولید به‌عنوان تابعی از میزان تولید پرداخت شده و سپس

مادی و معنوی است، در این صورت می‌توان با تسامح بیان کرد که حداکثرسازی مصرف در این معادله، معادل با حداکثرسازی حب ذات می‌باشد.

دستمزد سرمایه پرداخت می‌شود که با دیدگاه شهید صدر در زمینه نیروی کار (حالت مشارکت در محصول) و ابزار (اجاره ثابت) نیز تطابق دارد. تعادل بازار کالاها مستلزم آن است که در هر دوره تقاضای کالاها با عرضه آن برابر باشد یا به بیان دیگر سرمایه‌گذاری با پس‌انداز مساوی شود:

$$\frac{N_t}{K_{t+1}} - \frac{N_t}{K_t} = \frac{N_t}{S_t} - \frac{N_t}{K_t}$$

طرف چپ تغییر توزیع موجودی سرمایه میان  $t$  و  $t + 1$  یعنی توزیع سرمایه‌گذاری خالص است. طرف راست نیز توزیع پس‌انداز خالص است؛ به نحوی که عبارت اول، توزیع پس‌انداز نسل جوان و عبارت دوم توزیع پس‌انداز منفی نسل پیران است.<sup>۱</sup> با حذف  $\frac{N_t}{K_t}$  از طرفین نتیجه می‌شود که توزیع سرمایه در زمان  $t + 1$  برابر توزیع پس‌انداز نسل جوان در زمان  $t$  است:

$$\frac{\frac{N_{t+1}}{1+n}}{K_{t+1}} = \frac{N_t}{S_t} \rightarrow \frac{N_{t+1}}{(1+n)K_{t+1}} = \frac{N_t}{S_t}$$

$$\frac{N_{t+1}}{K_{t+1}} = \frac{N_t(1+n)}{S(W_t, r_{t+1}, N_t)}$$

این معادله را می‌توان معادله انباشت سرمایه در حالت توزیعی دانست. این معادله در کنار شروط تعادل بازارهای عوامل تولید رفتار پویای سرمایه را نشان می‌دهد:

$$\frac{N_{t+1}}{K_{t+1}} = \frac{N_t(1+n)}{S\left(F'\left(\frac{N_t}{K_t}\right), F\left(\frac{N_{t+1}}{K_{t+1}}\right) - \frac{N_{t+1}}{K_{t+1}}F'\left(\frac{N_{t+1}}{K_{t+1}}\right)_{t+1}, N_t\right)}$$

$$\frac{\partial\left(\frac{N_{t+1}}{K_{t+1}}\right)}{\partial\left(\frac{N_t}{K_t}\right)} = \frac{-\frac{\partial S}{\partial F'\left(\frac{N_t}{K_t}\right)} F''\left(\frac{N_t}{K_t}\right) N_t(1+n)}{\left[S_t\left(F'\left(\frac{N_t}{K_t}\right), F\left(\frac{N_{t+1}}{K_{t+1}}\right) - \frac{N_{t+1}}{K_{t+1}}F'\left(\frac{N_{t+1}}{K_{t+1}}\right)_{t+1}, N_t\right)\right]^2} = \frac{-S_W F''\left(\frac{N_t}{K_t}\right) N_t(1+n)}{S_t^2}$$

افزایش دستمزد منجر به افزایش پس‌انداز می‌شود که به معنای مثبت بودن  $S_W$  است.  $F''\left(\frac{N_t}{K_t}\right)$  مشتق دوم تابع تولید را بیان می‌کند که با توجه به مقعر بودن این تابع، این عبارت منفی است. جمعیت و نرخ رشد جمعیت نیز اعدادی مثبت هستند و در نتیجه، منجر به این می‌شود که علامت

صورت کسر مثبت باشد. مخرج کسر  $S_t^2$  نیز مثبت است. بنابراین، در این اقتصاد با انباشت سرمایه در یک نرخ مشخص و متعادلی مواجه هستیم. شرط دستیابی به تعدیل پویا نیز عبارت است از

$$0 < \left[ \frac{-S_w F''' \left( \frac{N_t}{K_t} \right) N_t (1+n)}{S_t^2} \right] < 1$$

که با توجه به اینکه همیشه صورت از مخرج کوچک تر است، این شرط نیز برقرار می باشد؛ زیرا  $S_w, F''$  هر دو نرخ هایی هستند که باید  $0 < S_w < 1$  زیرا بخشی از دستمزد پس انداز می شود و  $0 < F'' < 1$  باشد و این نرخ ها ضربدر جمعیت شده اند. افزون بر این، همان کسانی که جمعیت  $(N_t)$  را تشکیل می دهند، در مخرج کسر، مجذور پس انداز کل همان افراد وجود دارد. اما در عین حال شرط پایداری ایجاب می کند که صورت از مخرج کوچک تر باشد، یعنی  $-S_w F''' \left( \frac{N_t}{K_t} \right) N_t (1+n) < S_t^2$ .

#### ۷. دلالت هایی برای اقتصاد ایران

مبتنی بر مباحث بیان شده می توان برخی دلالت های راهبردی برای اقتصاد ایران ارائه کرد که قطعاً ارائه راهکارهای تدریجی و کاربردی برای تحقق این راهبردها در پژوهش های آتی ضروری است:

الف) پیشرفت عادلانه اقتصاد در صورتی رخ می دهد که همه مردم هم در تولید نقش داشته باشند؛ هم از یک سطح مصرف تضمین شده برخوردار شوند و هم دسترسی به ابزار تولید اعم از منابع طبیعی و دیگر امکانات تولید به صورت عادلانه برای همگان وجود داشته باشد؛

ب) عدالت بین نسلی یکی از شروط مهم برای پایداری است که با توجه به وجود منابع طبیعی فراوان در کشور ضروری است تا در بهره برداری از این منابع و به طور کلی در اتخاذ هر تصمیمی که بر نسل های آتی تأثیر می گذارد، منافع آنان نیز در نظر گرفته شود.

#### ۸. جمع بندی

شهید صدر در هر سه ساحت توزیع پیش از تولید، توزیع پس از تولید و توزیع مجدد و در ساحت مکتب به تفصیل دیدگاه خود را بیان کرده است. وی همچنین در اندیشه خود به لزوم استفاده صحیح حداکثری از منابع و جلوگیری از معطل گذاشتن آنها به عنوان یک اصل جدی اشاره کرده است که می توان این نکته را هم ارز با مفهوم کارایی در اقتصاد غربی در نظر گرفت؛ یعنی انسان

موظف است که تولیدی کارا داشته، اما طبق اندیشه شهید صدر توزیع هم باید عادلانه باشد. از این رو اقتصاد خرد غربی از ابتدا تا به امروز در تفسیر مسائل کلان توزیع، ناتوان بوده است. نظام اقتصاد غربی اگرچه کارا و به عنوان مثال  $W=MP_L$  می باشد، اما یک دستمزد ثابت حداقلی را توزیع می کند. گروهی دیگر از اندیشمندان اقتصاد غربی در صدد توجه به توزیع بوده اند و معمولاً از کارایی فاصله گرفته و صرفاً به توزیع، آن هم با یک رویکرد برابری گرایانه توجه می کنند. عمده تلاش اقتصاددانان سرمایه داری مصروف توصیف توزیع درآمد و علت یابی نابرابری درآمدی از مشاهدات اقتصادی است و حال آنکه پدیده های مشاهده شده در جوامع سرمایه داری همگی بر اساس اصول مکتبی اقتصاد سرمایه داری تنظیم شده و به قوانین اعتباری تبدیل شده اند (شهید صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۰۲).

در ادامه سعی شد تا با تغییر فروض الگوی نسل های همپوشان دو دوره ای هم کارایی و هم توزیع عادلانه مبتنی بر اندیشه شهید صدر مدنظر قرار گیرد. نتایج مدل نشان می دهد می توان با وجود در نظر گرفتن اصول توزیعی عادلانه برگرفته از نظریه شهید صدر به یک تعادل پایدار دست یافت.

## منابع

۱. آدام اسمیت (۱۳۵۷). ثروت ملل، ترجمه قاسم سیروس ابراهیم‌زاده. ج ۱-۳، تهران: پیام.
۲. باربر، ویلیام (۱۳۷۰). سیر اندیشه‌های اقتصادی: بررسی تطبیقی مکتب‌های کلاسیک و نئوکلاسیک و مارکس و کینز، ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳. باقری، علی (۱۳۹۳). تحلیلی بر نظریه ارزش و توزیع در اقتصادنا. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۷(۱)، ص ۵۷-۸۶.
۴. پیغامی، عادل، حسین سرآبادانی تفرشی و حمید ایزدبخش (۱۳۹۴). بازخوانی نظریه شهیدصدر در الگوی فقهی توزیع درآمد میان عوامل تولید بر اساس نظریه «عاملیت». معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۲(۶)، ص ۵-۲۲.
۵. تفضلی، فریدون (۱۳۹۲). تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر (از ۶۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰۰ میلادی) ویرایش ویراست ۳. تهران: نشر نی.
۶. توتونچیان، ایرج، و حسین عیوضلو (۱۳۷۹). کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد. مجله تحقیقات اقتصادی، ۵۷(۲)، ۹۷-۱۳۲.
۷. داب، موریس (۱۳۸۱). تنوری‌های ارزش و توزیع از زمان آدام اسمیت، ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: نشر نی.
۸. زاهدی‌وفا، محمدهادی، و عادل پیغامی (۱۳۸۸). پول و زمان در نظریه توزیع اقتصاد اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۳(۲)، ۵-۳۸.
۹. ژید، شارل، ریست، شال (۱۳۷۰). تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، ج ۱-۲، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳). اقتصاد ما، ترجمه محمد برهانی و سیدابوالقاسم حسینی ژرفا، ج ۱-۲، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهیدصدر.
۱۱. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۴). اسلام راهبر زندگی: مکتب اسلام رسالت ما، ترجمه مهدی زندیه. قم: دارالصدر.

۱۲. عیوضی، احیاء (۱۳۹۴). چگونگی توزیع تابعی درآمد در اقتصاد متعارف و نظرات شهید صدر. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۹(۷۲)، ۲۳۷-۲۶۳.
۱۳. کرمی، محمدحسین (۱۳۸۹). توزیع درآمد حاصل از فرایند تولید از نظر نئوکلاسیک‌ها و برخی اندیشمندان اسلامی. جستارهای اقتصادی، ۷(۱۴)، ۱۵۳-۱۶۹.
۱۴. نوراحمدی، محمدجواد (۱۳۹۲). مالکیت، عدالت و رشد در تحول اندیشه‌های اقتصادی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
15. Agnar Sandmo. (2013). The Principal Problem in Political Economy: Income Distribution in the History of Economic Thought. INSTITUTT FOR SAMFUNNSØKONOMI, DEPARTMENT OF ECONOMICS.
16. Atkinson, Anthony; & Bourguignon, François (eds.). (2000). Handbook of Income Distribution. 1, Elsevier.
17. Blanchard, Olivier Jean; & Fischer, Stenley (1993). Lectures on Macroeconomics. The MIT Press.
18. Böhm-Bawerk, Eugen von. (1930). The positive theory of capital. New York: G. E. Stechert & Co.
19. Galton, F. (1879). The geometric mean in vital and social statistics. Proceedings of the Royal Society, 29, 365-366.
20. Jevons, William Stanley. (1957). The Theory of Political Economy. (15th ed.), London: Macmillan and Co.
21. Kaldor, Nicholas. (1955). Alternative Theories of Distribution. The Review of Economic Studies, 23(2), 83-100.
22. Marshall, Alfred. (1920). PRINCIPLES OF ECONOMICS, 8th ed., UK: Palgrave Macmillan.
23. Mill, John Stuart. (1848). Principles of Political Economy, with some of the their Applications to Social Philosophy, Vols. 1-2, London, Parker.
24. Mincer, J. (1958). Investment in human capital and personal income distribution. Journal of Political Economy, 66, 281-302.
25. Pareto, Vilfredo (1896-97). Cours d'économie politique. Lausanne: Rouge.
26. Rawls, John (1971). Theory of Justice, e United States of America: Harvard University Press.

27. Ricardo, David. (1951). *On the Principles of Political Economy and Taxation*. (Piero Sraffa, Corrector), Cambridge: Cambridge University Press.
28. Stolper, W. F.; Samuelson, Paul A. (1941). Protection and real wages. *The Review of Economic Studies*. 9(1): 58–73.
29. Walras, Léon (1874-1877), *Éléments d'économie politique pure*. Lausanne: L. Corbaz. Translated and with an introduction by William Jaffé as *Elements of Pure Economics*. Homewood, Ill.: Irwin, 1954.
30. Wicksell, Knut (1896). *Finanztheoretische Untersuchungen*. Jena: Fischer. Translated in part as «A new principle of just taxation» in Musgrave, Richard A. and Alan T. Peacock, eds. (1958). *Classics in the Theory of Public Finance*. London: Macmillan.